

«سوئیت» کلاسیک و جدید^۱

دیری از تشکیل و پیدایش فورمهای دو بخشی و سه بخشی نگذشته بود که آهنگ سازان در صد برآمدند ز بردستی خود را بر روی قطعات مفصلتری که از اجتماع چندین رقص دو بخشی و سه بخشی تشکیل می‌گشت، نیاز مآبند. این قطعات (که در فرانسه *Ordre*، در آلمان *Suite* یا *Partita* و در انگلیستان *Lesson* نامیده می‌شد) با اینکه از آهنگهایی که همه در مایه واحدی بودند ترکیب می‌یافت، تنوع زیادی داشت زیرا هر کدام از رقصهای مزبور وزن و ضربی متفاوت داشت.

توسعه فورم سوئیت با تکامل دو نوع ساز همزمان بود: از طرفی در صنعت ساختن ویولون بوسیله استادان ایتالیایی اصلاحاتی صورت گرفت و از طرف دیگر سازهایی چون کلاوسن، «ایپنت» *Épinette* که از اجداد پیانوهای امروزی هستند تکامل یافتند. آهنگسازان ایتالیایی، که از میان آنها مهتر از همه «کودلی» بود، رقصهای مورد بحث را بصورت قطعاتی موسوم به «*Sonate da ballo*» ترکیب نسودند. آهنگسازان فرانسوی، و بخصوص «کوپرن» و «رامو»، کلیه صفات و خصوصیات سازهای زهی مضرابی را در قطعات بسیار دلگشی پرورش دادند. این قطعات گاهی

۱- این مقاله فصل ششم از کتاب «زبان و هنر موسیقی» اثر «سپالدینگ» است است که فصلهای گذشته آن در شماره‌های قبلی مجله بچاب رسیده بود.

جنبه توصیفی هم داشت از قبیل «مرغ»، «احضار پرندگان» و غیره... - بزرگترین استادسبک‌سازی در آن دوره «دومینیکوسکارلاتی» ایتالیایی بود (۱۶۸۵-۱۷۵۷). وی چه بعنوان نوازنده و چه بعنوان آهنگساز شهرت بسیار داشت و سرودمان «وبرتووز»ها و نوازندگان کلاوسن متعددی بشمار می‌رود. در آثار او که بفرم رقص یا بفرمهای انتزاعی‌تری نوشته شده است «فاتتری» و قدرت تخیل درخشانی مشاهده می‌شود و همچنین ارتباط کاملی بین اندیشه و نیت آهنگساز و قابلیت فنی ساز مشهود است که آثار او را جاودانی خواهد ساخت.

ژان - سباستین باخ هنر ترکیب و اجتماع رقصهای مختلف را باهدیگر بسجده کمال رساند. «سوئیت»های فرانسوی و انگلیسی او این معنی را تأیید می‌کند. در «پارتینا»ها و همچنین سوئیت برای ارکستر در بزرگ اثر باخ (که شامل «آریای» مشهور می‌باشد) از رقص جز وزن و ضرب آن چیزی باقی نمانده است؛ بعبارت دیگر این آهنگها از حدود اصلی خود فراتر رفته و وسیله بیان همه نوع هیجانات و احساسات انسانی گردیده‌اند. دوازده سوئیت برای کلاوسن اثر هندل را نیز نباید فراموش کرد، سوئیت چهارم آن شامل یک فوک عالی و استادانه است درمی کوچک. سوئیت‌های هندل از نظر بدعت و ظرافت با سوئیت‌های باخ قابل مقایسه می‌تواند بود.

اینک فهرستی از فرم‌های مهم و اصلی رقص که در سوئیت‌های کلاسیک و مدرن و با بصورت مستقل، بکار می‌رود. رقص‌هایی که دارای مختصات ضربی خاصی هستند جداگانه مورد بحث و تجزیه قرار خواهند گرفت.

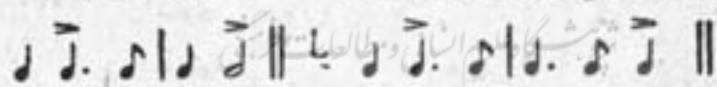
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
فهرست رقص‌ها
مجله علمی-پژوهشی

اسم	اصل و ریشه	میزان	فرم	حالت
آلماند (Allemande)	صربی	۴/۴	۲ بخشی	سرعت معتدل، روان، آرمونی غنی.
کورانت (Courante)	فرانسوی ایتالیایی	۳/۴-۳/۲	۲ بخشی	سریع، برجیب و جوش، در نوع ۳/۲ در فرودها میزان تغییر می‌یابد.
کورنت (Corrente)		۳/۲ ۳/۴	۲ بخشی	پر شکوه، مشخصاً ۳ ماهی حالتی «دراماتیک» دارد.
ساراباند (Sarabande)	اسپانیایی	۴/۴	۲ بخشی	سریع، مسرت‌انگیز، برجیبش.
هورن پایپ (Hornpipe)	انگلیسی	۶/۸ ۱۲/۸	۲ بخشی	خیلی برجیب و جوش، مسرت‌انگیز و باشاش.
ژبک (Gigue)	کلمه ژبک نام نوعی ویولون قدیمی بوده است. فرانسوی	۴/۸	۲ بخشی	سرعت معتدل، وزن سریع، غالباً مجلل.
کاووت (Gavotte)		۴/۴ ۲/۲	۲ بخشی	

سریع و باحرارت .	۲ بخشی	۴۲۴	فرانسوی	(Bourrée)	بوده
سرعت معتدل ، ظریف ، پرلطف .	۲ بخشی	۳۲۴ ۳۲۸	فرانسوی	(Menuet)	منوئه
سبك ، جنبش ملایم .	۲ بخشی	۳۲۴	فرانسوی	(Passe pied)	پاس پیه
بیشتر متمایل باهستگی ، برجلا .	۲ بخشی	۶۲۴ ۴۲۴	فرانسوی	(Loure)	لور
برطانیه ، مجلل .	۲ بخشی	۲۲۴	ایتالیایی	(Pavane)	پاوان
پرحرکت ، بشاش .	۲ بخشی	۳۲۲ ۲۲۲	ایتالیایی	(Gaillarde)	گایارد
برجنبش ولی بدون قید .	۲ بخشی	۴۲۴ ۳۲۴	{ فرانسوی انگلیسی	(Branle) (Brawl)	برانل براول
متشخص و ظریف ولی برجنبش .	متنوع	۲	لهستانی	(Polonaise)	پولونز
سرعت زیاد ، درخشان ، گاهی سنگین تر و محزون تر و زمانی سریع و مسرت انگیز .	متنوع	۳۲۴	لهستانی	(Mazurka)	مازورکا
خوشحال ، برجنبش .	معمولا ۳ بخشی	۲۲۴	بوهمی	(Polka)	پولکا
بسیار برجنبش و جوش و حتی سرسام انگیز .	متنوع	۳۲۴	بوهمی	(Furiante)	فوربات
پرلطف ، باحالات متنوع ، گاهی سریع ، غالباً آهسته .	۲ یا ۳ بخشی	۳۲۴	آلمانی	(Valse)	والس
سریع ، وزن سریع .	۳ بخشی	۳۲۴	اسپانیایی	(Boléro)	بولرو
خیلی پرحرکت ، شورانگیز .	متنوع	۶۲۸	ایتالیایی	(Tarantelle)	تاراتل
وزن برجنبش ، برجست و خیز .	متنوع	۶۲۸ ۳۲۴	ایتالیایی	(Saltarelle)	سالتارل
سریع ، خوشحال .	متنوع	۲۲۴ ۴۲۴	فرانسوی	(Rigaudon)	ریگودون
پرشوکه باوزنی سریع .	متنوع	۴۲۴	نزد همة اقوام و ممل موجود است	(Marche)	مارش
شورانگیز باحالات مختلف .	متنوع	۲۲۴ ۳۲۴	مجار	(Csardas)	چارداش
پرطراوت ، حالت روستایی .	متنوع	۲۲۴	نروژی	(Halling)	هالینگ
بی قید و روان .	متنوع	متنوع	مکزیک	(Tango)	تانگو
لطیف ، وزن مشخص .	متنوع	۲۲۴	اسپانیایی	(Habanera)	هابانرا
پرهوس ؛ گاهی متین و شاهانه ، گاهی خوشحال و دل زنده .	متنوع	۳۲۸ ۲۲۴	اسپانیایی	(Séguedille)	سه گودی
نوعی والس با آزادی بیشتری در رقص و باحالتی پرشور .	آزاد	۳۲۴	اسپانیایی	{ (Jota) (Aragonaise)	یوتا آراگونز
رقصی است با حرکتی ملایم که بهر اهی گیتار و « کاستانیت » اجرا می شود . حالتی غمزده و عاشقانه دارد .	به فورم ترجیح بند	۳۲۸	اسپانیایی	(Malaguena)	مالاگنا
	۲ یا ۳ بخشی			(Sicilienne)	

چهار بخشی که در «سومیت» های کلاسیک و «سومیت» های قرن هیجدهم لازم و اجتناب ناپذیر بود عبارتند از «آلماند»، «کورانته»، «سارابانده» و «ژیک». معمول شده بود که بین دو بخش اخیرالذکر رقصهای دیگری جای دهند که تعداد و نوع آنها بستگی بمیل و نظر آهنگساز داشت؛ عمومی ترین آنها عبارت بود از «گاووت» «بورره»، «منوه» و «پاسیه». در حقیقت «سومیت» یک نوع «چنگ بین المللی» رقصهای معمول بود و از هینروست که «سومیت» ها تصویر زنده ای از روحیات و آداب و رسوم دوره معینی را بنظر ما می آورد. بسیاری از سومیت های انگلیسی با یک پیش درآمد «پولیفونیک» که با دقت عمل آمده است آغاز می شود. ما از کلیه این رقصها تجزیه دقیقی نخواهیم نمود؛ تا بلوی صفحه قبل برای نشان دادن خصوصیات اصلی آنها کافی است. نیز مفیدتر خواهد بود که در مورد رقصهایی که اوزان خاص و مشخصی دارند و در موسیقی جدید نیز بیشتر بکار می روند دقت بیشتری مبذول داریم. مثالهایی که از مآخذ مختلفی انتخاب شده است نمونه هائیکه در شنونده بصورت مستقیمتر و ساده تری مؤثر می افتد. در این میان مشخص ترین رقصها عبارتند از «سارابانده»، «گاووت»، «منوه» و «ژیک». به رقص اخیرالذکر رقصهای دیگری بستگی و ارتباط دارند. از قبیل «ریگودون»، «فوریانته»، «تارانته» و «سالنارل».

«سارابانده» رقص آهسته و پرشکوهیست که همیشه ضرب و میزانی «سه تایی» (Ternaire) $\frac{3}{4}$ یا $\frac{3}{8}$ دارد. صفت مشغله آن در اوزان زیر است که تشدید بروی ضربهای ضعیف قرار می گیرد و در فرودها نیز خاتمه های «مؤنت» بیشتر است:



«سارابانده» پیوسته بین احساسات و هیجانات عمیقی است و غالباً حالت «تراژیک» و پرشوری دارد. وجود «سارابانده» در سومیت با آهنگسازان امکان داده است که احساساتی را بازگوید و بیان دارد که بعدها بخش آهسته سونات و سنفونی می بایستی مأمور بیان آنها گردد... در سوناتهای برای ویولونسل تنها، در دومین و سومین سومیت انگلیسی برای کلاوسن اثر باخ و در آواز پرتشخص «Lascia ch'io pianga» از ابرای «رینالدو» اثر هندل، «سارابانده» های گویا و زیبای می توان یافت. دو نمونه جدید از این رقص عبارتند از «Humresques de Concert» شماره دوم اثر «پادرسکی» (Op. 14) و دومین قطعه از «پرلود، ساربانده و تسوکاتا» برای پیانو اثر دو بوسی. بعضی اوقات آهنگسازان وزن «سارابانده» را بدون آنکه هم آنرا قید کنند، بظاهر زیبایی آن یا بنظور ایجاد حالات نمایشی خاصی بکار می برند. با مطالعه «تم» «وارباسیون» های بتوون (Op. 109) و نخستین میزانهای پیش برده

«گاونت» این معنی آشکار خواهد شد. در اثر اخیر الذکر وزن خالص رقص اسپانیایی محیطتیره و حزن انگیزی بوجود می آورد :



«گاونت» رقص بر حرارت نیست که خالی از تشخص نیست و بضرب «دوتایی» (Binaire) نوشته می شود (این رقص تقریباً همیشه تندتر از آنچه باید اجرامی گردد). از خصوصیات این رقص اینست که از نیمه میزان آغاز می گردد و فرودهای آن تشدید بسیار دارند. یکی از جالبترین نمونه های آن، «گاونت» سومین سوئیت انگلیسی باخ است؛ «موزت» ۱ ملایسی که در وسط آن قرار گرفته، آنرا بصورت یکی از نخستین تجلیات فورم سه بخشی درمی آورد.

«منوه» شایان دقت بیشتریست: نه فقط بدان علت که نمونه های زیبایی از آن باقی مانده است بلکه به علت آنکه تنها رقصی است که نویسندگان سنفونی آنرا کاملاً از سوئیت بهاریت گرفته و در سنفونی بکار برده اند. منوه در شکل قدیمی خود رقص پرشکوه و جلالی بود. کلمه فرانسۀ «منوه» (Menu) - بمعنی کوچک و ظریف - حاکی از اینست که رقاصان قدمهای خود را با دقت و باندازه معین جلو می آوردند. منوه همیشه در میزانهای $\frac{4}{8}$ یا $\frac{3}{4}$ نوشته می شود و روی ضرب اول میزان آغاز می گردد. هایدن حالت آنرا بصورت قابل ملاحظه ای تغییر داد و سرعت اجرای آن بسی افزود؛ وی همچنین منوه را، بجای ضرب اول، از سومین ضرب میزان آغاز نمود و بدان حالت شوخ و بشاشی بخشید. صفت مشخصه منوه های موزار بیشتر لطف و حساسیت است تا نشاط و بشاشت، و این معنی در منوه های زیبای سنفونی در می بول بزرگ و سول کوچک بخوبی پیداست. بتهوون منوه را بصورت «سکرزو» در آورد. اولین قسمت نهایی (فینال) ابرای موزار موسوم به «دون ژوان» یکی از مشهورترین «منوه» هاست.

۱ - موزت «Musette» یک باس آرمولیک و «پدال» دائمی دارد که بی شباهت به ساز «لی ابان» («موزت» یا «کورنموز») نیست. در ساز اخیر الذکر قسمت باس پیوسته میان درجه اول و پنجم مام در حرکت می باشد. وجه تسمیه رقص «موزت» هم اشاره ای بهمین معنی است.

در میان آثار جدیدتر نمونه خوش‌نغمه «پادروسکی» برای پیانو و نمونه آخرین صحنه «فالساف» اثر وردی نیز درخور مطالعه است.

«ژیک» رقصی سریع و پر جنبش است که در میزانهای $\frac{6}{8}$ و $\frac{12}{8}$ (گاهی $\frac{4}{4}$)

و با ضربهای کاملاً مشخصی نوشته می‌شود، وجه تسمیه آن از اسم نوعی و بولون قدیمی که با آلمانی «Geige» خوانده می‌شود مشتق شده است. این رقص تشدیدهای مشخصی دارد که سازهای شبیه و بولون را بغاظر می‌آورد. باخ ژیک را همیشه بصورت آخرین قطعه سوئیت‌های خود بکار برده تا تأثیر نهایی خوشی مقاومت نابدیری را القا نماید؛ وی ژیک را با پیچیدگی «پولیفونیک» زیادی نشان داده و حتی گاهی چون فوک مرتبی آغاز کرده است - کلیه ژیک‌ها را با فورم و بخشی روشنی نوشته‌اند؛ آهنگسازان کلاسیک معمولاً بخش دوم را با تم اول ولی بصورت مخالف (Mouvement contraire) شروع کرده‌اند. در پنجمین سوئیت فرانسوی باخ نمونه‌ای از این قبیل می‌توان یافت. هیچ اثری از لحاظ جنبش وزنی با ژیک اخیرالذکر لاف برابری نمی‌تواند زد. میزانهای نهایی چنان بعداً درمی‌آیند که گویی همه ناقوسهای آسمان به پرواز درآمده‌اند. برای پیداکردن نمونه‌هایی از رقصهایی که حالتی شبیه «ژیک» دارند می‌توان به نمونه‌هایی از «ریگودون» (Rigaudon) مسراجعه کرد؛ در مورد «تارانتل» (Tarantelle)، قطعه‌ای به همین اسم اثر شوپن (Op. 23) نمونه خوبیست و در مورد «سالتارل» (Saltarelle) آخرین بخش ستفونی اپتالیامی مندلسون و قسمت اصلی پیش‌برده «کارناوال رومی» اثر برلیوز، نیز مثالهای جالبی بشمار می‌توانند آمد.

کلیه رقصهایی که تجزیه شد، و همچنین «سارابانده»، «گاوت»، «لوره» (Loure)، «پاوان»، «پولونز»، «تارانتل» مبین کوششهای انانیست که مطالعه آنها جالب و آموزنده است زیرا ما را از تمدنها و زندگی‌های اجتماعی مختلف مطلع و آگاه می‌سازد. نمونه‌های عالی از رقص «پاوان» در آثار آهنگسازان انگلیسی اواخر قرن شانزدهم «پیرد» و «هل» می‌توان یافت. یک «لوره» بسیار زیبایی در سومین سونات برای ویولونسل اثر باخ هست. شوپن در آثار خود رقصهای «پولونز» و «مازورکا» را جلوه‌گر ساخته است. «بیزه» رقص‌های «هابانرا» و «سه‌گدی» (Séguedille) را در ابرای «کارمن» خود بکار برده است. در قطعه توصیفی دو بوسی موسوم به «شب در قرناطه» وزن «هابانرا» بصورت بسیار زیبایی مورد استفاده قرار گرفته است. «راول» حالت بسیار جالبی با استعمال وزن پر جلال «پاوان» در قطعه بیانوی خود موسوم به (Pavane pour une unfaute défunte) بدست آورده است. آهنگسازان اسپانیایی چون «آلبه نیز» و «گرانادوس» غالباً در آثار خود اوزان رقص‌های ملی خود را بکار برده‌اند. «Bourrée fantasque» اثر «امانوئل شابریه» نمونه درخشانیست از تجدد فورم کهنسال «بوره»؛ «España» اثر همین آهنگساز که برای ارکستر بزرگ نوشته شده بر اساس اوزان درخشان

رقص‌های اسپانیایی تنظیم یافته است. قطعه مشهور «تجلیل از رامو» اثر دو بوسی نیز - بسبک «سارا باندا» می باشد.

«سوئیت» بعلمت اینکه اوزان و حالات مختلف را آزادانه در خود گردمی آورد توجه آهنگسازان جدید را نیز بخود جلب کرده است و در موسیقی جدید و معاصر سوئیت‌هایی بافت می‌شود که آنها را باید شناخت. در سوئیت‌های جدید هیچ کوششی برای پیروی از مقررات قراردادی تجمع رقصها بکار نمی‌رود؛ قطعات آن در مایه‌های مختلف نوشته می‌شود و وزن آنها غالباً از اوزان موسیقی کشورهای دور دست و موسیقی‌های محلی و ملی اقتباس می‌گردد. گاهی اوقات سوئیت‌های جدید بر روی موضوع و مضمون داستانی نوشته می‌شود (از قبیل سوئیت‌های دو بوسی و راول). در میان سوئیت‌های جدید، «پرگینت» (Peer Gynt) (که مجموعه قطعاتیست که برای نمایش «ایلیسن» بهمین نام نوشته شده) و «هولبرگ» (Holberg) اثر کریگ، دو سوئیت «آدلزین» (که برای همراهی نمایش «دوده» نوشته شده) اثر بیژه، سوئیت برای ارکستر کوچک اثر دورژاک (Op. 39)، پنج سوئیت چابکووسکی (که مشهورتر از همه «فندق شکن» است)، «سرناد»های براهس برای ارکستر، «خاطرات ایتالیا» اثر «گوستاو شاریاتیه»، «سوئیت هندی» اثر «مک‌داول»، «سوئیت برگاماسک»، سوئیت زیبای «آلبر روسل» برای پیانو، اثر زیبای راول موسوم به «مادر من غا ز» و سوئیت مهم «دافنیس و کلوه» اثر همان آهنگساز از جمله سوئیت‌های جدیدیست که بخصوص ذکر باید کرد.

یکی از سوئیت‌های مشهور جدید، اثر درخشانی در بسکی کورساکوف موسوم به «شهرزاد» (بر روی داستانهای هزار و یکشب) برای ارکستر بزرگ ساخته شده است. زیبایی‌تها، قدرت توصیفی و تازگی و جسارت رنگ آمیزی ارکستر آن، چنانست که هیچگاه شنونده از تأثیر آن بر کنار نمی‌ماند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی